

کدام گزیده صحیح است

۱۱

برگرفته از سلسله سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله مصباح یزدی



معیار گزینش دوست

با توجه به دشواری انتخاب دوست و نقش مثبت و منفی آن، اولیای دین به بیان معیارهای گزینش دوست پرداخته‌اند و ویژگی‌های دوست مناسب را برشمرده‌اند و به خطر رفاقت و دوستی با برخی از آنان هشدار داده‌اند. از جمله این که وقتی از رسول اکرم (ص) ویژگی‌های هم‌نشین را پرسیدند، فرمود: کسی که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بردانش شما بیافزاید و رفتار و عمل او شما را به یاد آخرت اندازد.

برخی افراد از چنان اراده‌ای برخوردارند که نه تنها در هیچ شرایطی از دیگران تأثیر نمی‌پذیرند، بلکه بر آنان اثر نیز می‌گذارند، اما این نوع افراد اندکند و بسیاری از انسان‌ها به دلیل سستی اراده و ضعف ایمان با هرکس که معاشرت کنند، از او رنگ می‌گیرند. بنابراین افراد با توجه به شناختی که از خود دارند، باید بنگرند که از چه کسی بهتر بهره می‌برند و در معاشرت با چه کسانی به ارزش‌های دینی پای بندی بیشتری نشان می‌دهند، تا در قیامت به خاطر اندوه و حسرت از نحوه‌ی انتخاب خود، انگشت به دندان نگزند.^(۱)

آفات دوستان ناباب

امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «مجالسة اهل الهوى منساة للایمان و محضرة للشیطان»^(۲) نشست و برخاست با آن‌هایی که دنبال هوای نفس هستند، باعث می‌شود که انسان ایمانش را فراموش کند و زمینه را برای حضور شیطان فراهم سازد. من این نکته را در زندگی خود تجربه کرده‌ام و در مورد دیگران هم دیده‌ام. هیچ عاملی در سعادت و شقاوت انسان مؤثرتر از رفیق نیست. همه‌ی ما طبق معارف دینی می‌دانیم عامل بدبختی انسان، شیطان است. آن قدر مسأله‌ی شیطان و نقش او در انحراف انسان مؤثر است که خدا خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: «به خدا پناه ببر از این که شیطان در کنار تو حاضر شود.»^(۳) امیرالمومنین (علیه السلام) می‌فرماید: «نشست و برخاست با افراد نالاهل، زمینه‌ی حضور شیطان را فراهم می‌کند.» دلیل اهمیت این امر، این است که اگر زمانی شهوت یا غضب بر انسان غالب شود، مقاومت در برابر آن خیلی مشکل است. بنابراین باید از قبل جلوگیری کند که به این حال مبتلا

نشود. گناه از آن‌جا که ایجاد لذت می‌کند، انسان را بیشتر جذب می‌کند و نجات از آن دشوار است. اما انتخاب رفیق آن چنان جاذبه‌ی قوی ندارد که انسان را به طرف خود می‌کشاند. اندکی انسان احتیاط کند تا با هر کسی ننشیند و به هر حرفی گوش ندهد، آسان است. پس رفیق بد زمینه را برای حضور شیطان فراهم می‌کند و به یک معنا خودش شیطان است. من به جوان‌ها سفارش می‌کنم، شما هم به جوان ترها و کسانی که با آن‌ها معاشرت دارید، تأکید کنید که از رفیق بد پرهیز کنند. امروز کم‌تر بلایی است که عاملش رفیق نباشد. سابقاً این گونه نبود. امروز رفاقت‌ها خیلی خطرناک شده است، چون وسایل گناه هزاران برابر بیش از زمان سابق شده و راه انتقال آن هم رفیق است.

آثار دوستان شایسته

رفیق صالح می‌تواند آدم را با زحمت کم از اعماق جهنم به اوج بهشت برساند. همه‌ی ما تجربه کرده‌ایم نشستن با رفیق چه اندازه برزندگی ما اثر می‌گذارد. گاهی یک جلسه‌ی معاشرت، سرنوشت انسان را عوض می‌کند. ما باید این را باور کنیم که آن چه در دین تحریم شده، واقعاً به ضرر ماست. اگر ضرری نداشت خدا بخیل نبود که ما در این دنیا از این لذت‌ها استفاده کنیم. خدا علم دارد که بعضی از این لذت‌های محدود و فریبده که البته بعدها نیز برای خود انسان ثابت می‌شود که این لذت آن چنان ارزشی هم نداشته است و آن چه فکر می‌کرده، خیالی بیش نبوده است، موجب می‌شود که انسان از نورانیت، از صفای دل و از لذات اخروی محروم شود.

زیانکارترین افراد

اگر کسانی که حقایق را می‌شناسد، به لوازم علمشان عمل نکنند و از روی عمد، راه کج را به برگزینند، خدای متعال در همین دنیا، آنان را به چنان عقوبتی دچار می‌کند که توان تشخیص حق از باطل را نداشته باشند، هرچند در زمهری اندیشمندان به شمار آیند، چنین افرادی از دیدگاه قرآن زیانکارترین افراد هستند. بنا براین پس از آشنایی با حقیقت دوراه پیش پای ما هست: راه ایمان و راه کفر.

عواملی که انسان را به گناه می‌کشاند.

به تعبیر علمای اخلاق، اولین باری که انسان به گناه مبتلا می‌شود، عمل خلافش در غلبه‌ی شهوت یا غضب ریشه دارد.

حالات غضب و شهوت پس از لحظاتی از بین می‌رود و انسان به حالت عادی بر می‌گردد. وقتی به حالت عادی برگشت، طبعاً پشیمان شده و استغفار می‌کند. خدا نیز او را می‌آمرزد.

در روایت هست که خداوند به فرشتگانی که عهد دار نوشتن اعمال هستند، دستور می‌دهد که اگر مؤمنی گناه کرد هفت ساعت دست‌نگه دارید و چیزی ننویسید، شاید او توبه کند. این لطف و عنایت خدا به مؤمن است که نمی‌خواهد نامه‌اش لکه دار شود.

«التائب من الذنب کمن لا ذنب له»^(۴) اما اگر انسان به توبه موفق نشد و گناه را تکرار کرد، حالت پشیمانی کم کم

ضعیف می‌شود و شخص به گناه و زشتی عادت می‌کند، به گونه‌ای که زشتی گناه در نظر او رنگ می‌بازد. بنا براین از یک طرف می‌بیند ایمان به خدا دارد و می‌داند این کار گناه است و بر آن وعده‌ی عذاب داده شده است، از یک طرف هم به گناه عادت کرده است و به راحتی نمی‌تواند از عادت خود

صرف نظر کند. در این صورت است که به تضاد و جنگ روانی دچار می‌شود. از یک طرف «لوازم ایمان» او را نهیب می‌زند که انسان گنه کار، آدم بدی است و از یک طرف هم «حب ذات» می‌گوید: نه، آدم بدی نیست. او ناچار است این تضاد را به گونه‌ای حل کند و در صورتی که نتواند این تضاد را به شکل صحیح حل کند، شیطان وارد عمل می‌شود.

۱. فرقان، آیه ۲۸ و ۲۹
۲. شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، باب ۵ ص ۳۵۴
۳. مؤمنون، آیه ۹۷
۴. بحارالانوار، ج ۶، ب ۲۰، ج ۱۲، ص ۲۱